

## تصمیم سیاسی و نظامی انقلاب؛ نحوه سلب و چگونگی بازپس گیری آن

(ترجمه)

در آغاز انقلاب شام، به‌ویژه هنگامی که انقلابیون مجبور به حمل سلاح شدند و عملیات نظامی در چندین جبهه آغاز شد، رژیم جنایت کار سوریه به شدت تحت فشار قرار گرفت و از سوی این گروه‌های آزاده همواره با پیشامدهای بد روبرو می‌شد. علی‌رغم حمایت جوانب مختلف مانند روسیه، ایران، حزب الله لبنان و شبه‌نظامیان عراقی، رژیم اسد نتوانست در برابر مقاومت انقلابیون ایستادگی کند.

نکته قابل توجه اینست که گروه‌های کوچک انقلابی، علی‌رغم نداشتن تجهیزات سنگین مانند تانک‌ها و سلاح‌های سنگین، توانستند با استفاده از سلاح‌های سبک و غنیمت‌های به‌دست‌آمده از نبردهای شان با رژیم به موفقیت‌های بزرگی دست یابند.

این وضعیت مورد قبول امریکا نبود، وی فهمید که اگر تصمیم نظامی هم‌چنان در دست انقلابیون صادق بماند، انقلاب پیروز خواهد شد و انقلابیون به سمت دمشق پیش خواهند رفت و رژیم اسد را با تمامی ارکان و نهادهایش سرنگون خواهند کرد. به همین دلیل، امریکا از ترکیه خواست تا کنترل نیروهای انقلابی را به دست بگیرد و آن‌ها را به جناح‌ها و گروه‌هایی سازماندهی کند که بتوان با آن‌ها مذاکره و تصمیمات شان را کنترل کرد.

گام بعدی که خطرناک‌ترین گام علیه انقلاب شام بود، تزریق پول سیاسی سمی بود که در نتیجه آن تصمیم نظامی از انقلابیون آزاده گرفته شد. ترکیه رهبران جناح‌های انقلابی را فراخواند و آن‌ها را به معامله و گرفتن کمک‌های مالی و تسلیحاتی، بدون هیچ شرط ظاهری ترغیب کرد. اما هدف واقعی این کمک‌ها، در نهایت تحت کنترل درآوردن تصمیمات نظامی انقلابیون بود.

بسیاری از رهبران جناح‌ها به این پول سیاسی سمی تن دادند؛ در حالی که برخی دیگر از آن‌ها ایستادگی کرده و بر اصول انقلاب خود پایدار ماندند. این رهبران مقاومت‌کننده یا ترور شدند یا از صحنه کنار گذاشته شدند. به این ترتیب، تصمیم نظامی انقلاب از دست انقلابیون صادق خارج و به دست ترکیه و رهبران وابسته به آن افتاد؛ رهبرانی که دین و انقلاب شان را به دراهمی چند فروختند و هر کسی را که قصد نزدیکی به تصمیم نظامی داشت و یا علیه نظام جنایت کار می‌خواست کاری بکند، وی را مانع می‌شدند!

اما اهل شام، اهل خیر و ایمان، زیر بار ظلم نمی‌روند و نمی‌پذیرند که نظامی که در مدار امریکا می‌چرخد و منافع آن را تأمین می‌کند و از رژیم ظالم اسد حمایت می‌نماید، در تصمیمات و انقلابشان دخالت کند. بنابراین، آنان با حرکت آگاهانه‌ای بر اساس اصول ثابت آغاز کردند که هرگز از آن‌ها منحرف نمی‌شوند؛ هرچند به قیمت خون و بدن‌های پاره پاره و فداکاری‌های عظیم باشد. هدف آن‌ها بازپس‌گیری تصمیمات سیاسی و نظامی و گشودن جبهات علیه رژیم جنایت کار به منظور سرنگونی آن در قلب دمشق و برپایی خلافت راشده دوم بر اساس منهج نبوت به جای آن است.

بلی، آنان در برابر رهبران گروه‌ها، ابزارهای وابسته، قیام کردند تا سلطه و تصمیمات خود را بازپس گیرند و مسئولیت را به اهلش از نظر سیاسی و نظامی بسپارند، و به خوبی آگاهند که تا زمانی که این گروه فاسد که بر گردن مردم سلطه دارد، سرنگون نشود و تصمیمات انقلاب را از دست آن‌ها بازنگیرند، پیروزی در انقلاب به دست نخواهد آمد. اکنون اهل شام در میدان‌ها با حرکات مردمی گسترده‌ای که اصول واضحی دارد، حضور پیدا می‌کنند و از مجاهدین خود می‌خواهند که تصمیمات خود را بازپس گیرند و جبهات را علیه رژیم جنایت کار باز کنند؛ زیرا تنها راه برای تحقق اصول انقلاب شام، که در رأس آن‌ها سرنگونی رژیم جنایت کار و تأسیس حاکمیت اسلام به جای آن، یعنی خلافت راشده دوم بر اساس منهج نبوت است، می‌باشد.

هرگز کسی که به خیانت و معامله و تجارت پرداخته و تصمیماتش را به دست توطئه‌گران واگذار کرده، نمی‌تواند اصول انقلاب شام را محقق سازد. به یاری الله سبحانه و تعالی، مدت زیادی طول نخواهد کشید که صداهای تکبیر در سراسر شام طنین‌انداز شود و نداهاى "حی علی الجهاد" در آفاق دمشق پخش گردد. این امر به لطف الله سبحانه و تعالی نزدیک است، اما نیاز به تلاش‌های صادقانه و خالصانه امت در قیام عزت‌مندان‌های دارد که ارکان رهبران توطئه‌گر را به لرزه درآورد و مانع‌های پیش روی انقلابیون را بردارد.

این امر نیاز به پیروی از هدایت و بصیرت تحت رهبری سیاسی آگاه و خالصی دارد که نگران امت و پروژه نجات آن باشد؛ رهبری که تنها به الله سبحانه و تعالی وابسته است نه به رژیم‌های وابسته به استعمار. چنین رهبری باید مسیر حرکت انقلابیون را به وضوح و روشنی ترسیم کند تا به هدف نهایی دست یابند و فداکاری‌ها را با برپایی حاکمیت اسلام و خلافت راشده دوم به ثمر رسانند. این امر بر الله سبحانه و تعالی آسان است.

**برگرفته از شماره 511 جریده الرایه**

**نویسنده: استاد رامز امانی**

**مترجم: محمد مزمل**